

اتحاد چپ کارگری

بولتن سیاسی خبری زیر نظر هیئت هماهنگی - شماره ۵\۱۳۲ شنبه ۱۹ دسامبر ۲۰۰۲ برابر با ۲۸ آذر ۱۳۸۱ - کارگران جهان متحد شوید!

کسری چشم‌گیر جنبش دانشجویی!

محمد رضا شالگونوی

حرکت‌های دانشجویی هفته‌های اخیر یک‌بار دیگر نقش مهم دانشجویان را در مجموعه مبارزات ضداستبدادی مردم ایران نشان دادند. گستردگی و صراحت و جسارت این حرکت‌ها - که بعد از ۱۸ تیرماه بی‌سابقه بود - بلافاصله در فضای کشور اثر گذاشت و دماسنج سیاسی را به سرعت بالا برد. اما همین اثرگذاری جنبش دانشجویی، یک‌بار دیگر، کسری چشم‌گیر آنرا نیز به نمایش گذاشت. مسئله این است که جنبش دانشجویی هنوز هم از شبکه‌های تشکیلاتی مستقل و سراسری محروم است. و بنابراین، ظرفیت ادامه‌کاری قابل‌توجهی ندارد. فراموش نکنیم که در طول سه سال گذشته - یعنی از تیر ۷۸ تا آبان ۸۱ - این جنبش تقریباً در حال رکود بوده است. بسیاری از فعالان دانشجویی و تحلیل‌گران اوضاع سیاسی کشور، اکنون از شکل‌گیری مرحله جدید در جنبش دانشجویی صحبت می‌کنند. این ارزیابی کاملاً درست است. حرکت‌های اخیر تردیدی باقی نگذاشتند که جنبش دانشجویی آشکارا از اصلاح‌طلبان حکومتی فراتر رفته و به جای بیتوته در زیر شعار «حاکمیت قانون» به مبارزه در مجاری فراقانونی می‌اندیشد. اما در کنار این حقیقت غیرقابل‌انکار، نمی‌شد ندید که فراخوان‌دهنده اصلی غالب این حرکت‌ها، همچنان «دفتر تحکیم وحدت» بود و بدون شبکه ارتباطات آن معلوم نبود این حرکت‌ها بتوانند شکل بگیرند. البته خود «دفتر تحکیم وحدت» نیز تشکیلاتی در حال دگرگونی است و شاید دیگر نتوان آنرا صرفاً بازوی دانشجویی اصلاح‌طلبان حکومتی نامید. اما در هر حال نباید فراموش کرد که جنبش دانشجویی هنوز فاقد یک تشکیلات سراسری (به لحاظ ایدئولوژیک و سیاسی) مستقل از جریان‌های مختلف حکومتی است.

چربش وزن تشکیلاتی «دفتر تحکیم وحدت» نشان‌دهنده نفوذ فکری و سیاسی آن نیست. همان‌طور که روی آوردن مردم به مطبوعات «دوم‌خردادی» یا حمایت‌شان از کاندیداهای آنها، ضرورتاً به معنای اعتقاد به برنامه سیاسی و وعده‌های اصلاح‌طلبان حکومتی نبود. موجودیت «دفتر تحکیم وحدت» نموداری است از حد تحمل یک تشکل دانشجویی منتقد در جمهوری اسلامی. در رژیم‌های استبدادی، حمایت اکثریت مردم معمولاً روی مشهورترین جریان‌ها که در حد نهایی تحمل رژیم فعالیت دارد، متمرکز می‌گردد. زیرا فراتر رفتن از آن حد، هزینه‌ای دارد که اکثریت مردم غالباً توان پرداخت‌اش را ندارند. بنابراین، مشکل اصلی جنبش دانشجویی را نمی‌توان به وجود «دفتر تحکیم وحدت» نسبت داد. مشکل اصلی، حد تحمل جمهوری اسلامی است. تردیدی نیست که رادیکالیزه شدن «دفتر تحکیم وحدت» می‌تواند شرایط مساعدی برای کل جنبش دانشجویی فراهم بیاورد، اما نمی‌تواند مشکل اصلی را حل کند..... دنباله در ص ۲

جلسه همبستگی با مبارزات کارگران، دانشجویان، روزنامه نگاران و نویسندگان ایران!

روز جمعه ۱۳ دسامبر.

در یکی از سالنهای ساختمان مرکزی اتحادیه سراسری خبرنگاران بریتانیا و ایرلند در مرکز لندن برگزار شد. این جلسه که گردهمایی بسیار موفقی بود، در نوع خود در سالهای اخیر در بریتانیا نظیر نداشت. جلسه با پیام همبستگی اتحادیه سراسری خبرنگاران بریتانیا و ایرلند آغاز شد. در این پیام با اشاره به سابقه طولانی فعالیت این اتحادیه در دفاع از مبارزات مردم ایران، پیشنهادهایی برای همکاری‌های آتی در افشای جمهوری اسلامی، تقویت تحریم صدا و سیما، جمهوری اسلامی که از مصوبه‌های کنفرانس سراسری این اتحادیه است، مطالبی مطرح شد. دنباله در ص ۵

مافیای جای همچنان از کیسه چایکاران زحمتکش شمال میخورد ص ۴

مصاحبه با رفیق یدی!

توضیح از آنجا که در پیاده کردن و ستون بندی مصاحبه با رفیق یدی در شماره ۱۳۱ اشکالاتی پیش آمده بود اقدام به انتشار مجدد این مصاحبه کردیم.

مصاحبه با رفیق یدی از اعضای دفتر سیاسی سازمان اتحاد فدلیان کمونیست و از اعضای هیئت هماهنگی اتحاد چپ کارگری. ایران پیرامون مبارزات کارگران ایران و اعتراضات دانشجویی

سؤال: اگر ممکن است ارزیابی خود از دور اخیر اعتراضات کارگری در ایران را بیان نمایید؟

جواب: حرکت‌های اخیر کارگران ادامه مبارزاتی است که از مدتها قبل آغاز شده است و همچنان ادامه دارد. زمینه این اعتراضات هم اولا بحران اقتصادی حاکم بر جامعه است دوم سیاست‌هایی است که در این رابطه از سوی رهبران جمهوری اسلامی به توصیه نهادهای مالی بین‌المللی در پیش گرفته شده است و سوم خصلت ارتجاعی و ضد انسانی بورژوازی حاکم بر کشور است که برای سود اندوزی خود هیچ ابایی ندارد که میلیونها نفر در کشور قربانی شوند. .

دنباله در ص ۳

www.etihadchap.com

...دنباله کسری جنبش دانشجویی از ص ۱

مشکل اصلی از طریق به هم خوردن توازن نیرو میان دو قطب اصلی رویارویی، یعنی ولایت فقیه و مردم، می‌تواند حل شود. برای به هم خوردن این توازن نیرو کافی نیست بخش‌های مختلف مردم، اینجا و آنجا، به حرکت‌های اعتراضی دست بزنند، بلکه لازم است این حرکت‌ها به صورتی فزاینده سازمان‌یافته‌تر بشوند، افق‌های وسیع‌تری پیدا کنند و به نوعی ارتباط و هم‌سویی با هم دیگر دست یابند. در حال حاضر، حرکت‌های اعتراضی گوناگون کم نیستند و به احتمال زیاد گسترش نیز خواهند یافت. زیرا بحران عمومی جمهوری اسلامی هم‌چنان عمیق‌تر می‌گردد و رژیم در شرایطی است که نه می‌تواند راهی برای کاهش نارضایتی و خشم مردم پیدا کند، و نه سرکوب قطعی حرکت‌های آنها را عملی می‌یابد. در چنین شرایطی، سرکوب مؤثر عمدتاً از طریق مقابله با ارتقاء سازمان‌یافتگی حرکت‌های اعتراضی و گسترش ارتباط میان آنها می‌تواند صورت بگیرد. و این کاری است که رژیم روی آن متمرکز شده است. تأملی در استراتژی سرکوب در دوره بعد از دوم خرداد ۷۶، تردید باقی نمی‌گذارد که تلاش دستگاه ولایت همیشه این بوده است که اولاً ضمن تحمل اصلاح‌طلبان حکومتی، شبکه‌های ارتباطی و تشکیلاتی آنها را عایق بندی کند تا مردم نتوانند در مبارزات‌شان از آنها بهره‌برداری کنند، ثانیاً بیشتر روی بالابردن هزینه تشکل و بسیج مخالفان متمرکز شود تا سرکوب هر نوع اقدام جمعی مخالف بر مبنای این اولویت‌ها، آن عده از اصلاح‌طلبان حکومتی که خواسته‌اند عایق بندی میان «خودی» و «غیرخودی» را نادیده بگیرند، به شدت تنبیه شده‌اند (از عبدالله نوری و اکبر گنجی و عمادالدین باقی گرفته تا هاشم آقاجری و دیگران) و جریان‌هایی که می‌توانسته‌اند به موازات فعالیت اصلاح‌طلبان حکومتی فعال شوند و به حضور تشکیلاتی علنی یا نیمه‌علنی - و نه ضرورتاً قانونی- در داخل کشور دست یابند، به صورت منظم زیر سرکوب قرار گرفته‌اند (از هواداران منتظری و طیف «ملی‌مذهبی»‌ها گرفته تا حزب ملت ایران و کلون نویسندگان و دیگران). با توجه به این وضع، به جرأت می‌توان گفت که بدون برهم خوردن توازن نیرو به نفع مردم در مقیاس بزرگ جنبش دانشجویی نیز نخواهد توانست به تشکیلات (یا تشکیلات‌های) مستقل سراسری دست یابد. فراموش نکنیم که در چند سال اخیر تلاش‌های زیادی برای ایجاد تشکیلات‌های مستقل دانشجویی صورت گرفته، اما همه این تشکیلات‌ها به‌طور منظم زیر سرکوب قرار گرفته و نتوانسته‌اند بیش از حد معینی گسترش یابند.

پس آیا جنبش دانشجویی باید در انتظار به هم خوردن توازن نیرو به نفع مردم، دست روی دست بگذارد؟ نه، به هیچ وجه. در غالب کشورهای استبداد زده دانشجویان معمولاً در خط مقدم مبارزه با استبداد قرار دارند. تجربه خود ما از این نظر بسیار گویاست. در تاریخ ۶۰ ساله اخیر ما هر جا که جنبش ضداستبدادی فعال شده، دانشجویان در شکل‌گیری آن نقش بسیار مهمی داشته‌اند. امروز نیز، دانشجویان ما این سنت طولانی غرورناگیز را ادامه می‌دهند. اما مسئله این است که میزان اثرگذاری و حتی امکان ادامه موجودیت جنبش دانشجویی، به ارتباطات آن با جنبش عمومی ضداستبدادی بستگی دارد. به عبارت دیگر، جنبش دانشجویی اساساً از طریق گستراندن شاخک‌هایش در بطن جنبش عمومی ضداستبدادی می‌تواند به سازمان‌یابی مستقل، سراسری و کارآمد دست یابد. حقیقت این است که یک تشکیلات دانشجویی مستقل و سراسری در شرایط توازن نیروی کنونی، تنها از طریق استتار در بطن حرکت‌های مختلف اعتراضی و مطالباتی مردم می‌تواند در مقابل سرکوب دوام بیاورد و فعال بماند. و برای استتار در بطن این حرکت‌ها، باید با آنها ارتباط داشته باشد و به نوعی هم‌زبانی دست یابد. اما ارتباط و هم‌زبانی ضرورتاً از طریق سیاسی شدن حرکت‌های اعتراضی و مطالباتی گوناگون مردم صورت نخواهد گرفت، بلکه عمدتاً از طریق مشارکت فعالان دانشجویی در این حرکت‌ها به دست خواهد آمد. تلاش برای سیاسی کردن شتاب‌زده حرکت‌های مطالباتی معمولاً به جایی نمی‌رسد. اکثریت مردم معمولاً به آسانی در یک تظاهرات سیاسی صریح ر مخالفت با ولایت فقیه یا دفاع از آزادی بیان شرکت نمی‌کنند. نه به دلیل این که در باره چنین مسائلی نظر ندارند، بلکه به خاطر این که شرکت در یک اقدام سیاسی علیه یک حکومت سرکوب‌گر، هزینه‌ای دارد که همه توان تحمل آن را ندارند. برای تحمل عواقب سنگینی شرکت در یک اقدام سیاسی، شما به انگیزه نیرومندی نیاز دارید که همه آن را ندارند.

اما همین اکثریت مردم، خواسته‌های بی‌واسطه گوناگونی دارند که طرح‌شان می‌کنند و برای رسیدن به آنها تلاش می‌کنند و حتی گاهی به کارهای جسورانه‌ای دست می‌زنند. غالب این خواسته‌های بی‌واسطه خصلت مستقیماً سیاسی ندارند. و درست به همین دلیل، مبارزه برای آنها هزینه سنگینی نمی‌خواهد. اما غالب همین خواسته‌های به‌ظاهر غیرسیاسی، وقتی به صورتی سازمان‌یافته مطرح می‌شوند و با یک دیگر ارتباط می‌یابند، خواه ناخواه، به نحوی کارکرد و معنای سیاسی پیدا می‌کنند. مثلاً یک تظاهرات حتی گسترده بیکران ضرورتاً خصلت سیاسی ندارد، اما اگر آنها به فکر ایجاد اتحادیه بیفتند، یا حتی بتوانند یک دفتر مرکزی برای ارتباط‌گیری و تجمع‌شان راه بیندازند، ناگزیر، کارکرد سیاسی پیدا می‌کنند، به رویارویی با رژیم کشیده می‌شوند، و به سرعت، ارزش و اهمیت خواسته‌هایی مانند آزادی بیان و آزادی تجمع و تشکل را کشف می‌کنند.

نکته مهم این است که بسیاری از خواسته‌های سیاسی بنیادی، مخصوصاً در کشوری استبداد زده که مردم تجربه مشخص و بی‌واسطه‌ای از معنای آنها ندارند، انتزاعی‌تر و کلی‌تر از آن هستند که اکثریت عظیم مردم را در زندگی روزمره‌شان بسیج کنند و به رویارویی پرمخاطره با رژیم بکشانند. پس اگر می‌خواهیم نه فقط چند هزار، بلکه میلیون‌ها نفر برای این خواسته‌ها به میدان بیایند و برای دست‌یابی به آنها به صورتی فعال درگیر بشوند، باید ارتباط آنها را با خواسته‌های بی‌واسطه هر یک از گروه‌های مختلف مردم نشان دهیم. و مهم‌تر از همه این که چنین کاری را در متن درگیری‌ها و مبارزات روزمره‌ای که برای خواسته‌های بی‌واسطه گروه‌های مختلف مردم جریان دارند، انجام دهیم. این منطق بسیار ساده‌ای است، اما به دلیل ظاهر متناقض‌ش معمولاً نادیده گرفته می‌شود. نمود متناقض‌اش این است که می‌گویند نزدیک‌ترین فاصله میان دو نقطه، ضرورتاً یک خط مستقیم نیست، و از کسانی که به دشواری و با فداکاری زیاد موفق می‌شوند هر از چند گاهی چند هزار نفر را (مثلاً برای آزادی بیان) به میدان بیاورند، می‌خواهد که چند میلیون نفر را به سنگربندی برای پیکارهای طولانی به میدان سیاست بکشاند! علاوه بر این نمود متناقض به طرفداران «خط مستقیم» مبارزه با جمهوری اسلامی فرصت می‌دهد که آنرا عقب‌نشینی از رویارویی مستقیم و قطع با رژیم قلمداد کنند. اما با اندکی تأمل می‌توان دریافت که اولاً تلاش برای پیوند زدن خواسته‌های سیاسی بنیادی به خواسته‌های بی‌واسطه گروه‌های گوناگون مردم، نه فقط عقب‌نشینی از رویارویی مستقیم با جمهوری اسلامی نیست بلکه برعکس، توده‌ای کردن و بنابراین کارآمدتر کردن پیکار ضداستبدادی است. مثلاً ارتباط دانشجویان با حرکت‌های اعتراضی کارگران، بیکاران، ساکنان محلات و شهرک‌های فقیرنشین و زنان و معلمان و غیره، حرکت‌های دانشجویی نقداً موجود را کاهش نمی‌دهد، بلکه پژواک توده‌ای و سراسری به آن می‌بخشد و شرایط مساعد برای شکل‌گیری تشکیلات (یا تشکیلات‌های) مستقل فراهم می‌آورد. ثانیاً به مبارزه ضداستبدادی کنونی مردم ایران جهت‌گیری دمکراتیک می‌بخشد. به تجربه می‌دانیم که هر مبارزه ضداستبدادی ضرورتاً مساوی مبارزه برای دمکراسی نیست و گرنه سرگونی استبداد پهلوی به استقرار استبداد آخوندی نمی‌انجامید. مبارزه برای دمکراسی بدون سنگربندی گروه‌های گوناگون مردم حول خواسته‌های بی‌واسطه‌شان به جایی نمی‌رسد. ثانیاً اکثریت عظیم مردم بدون مبارزه سازمان‌یافته و آگاهانه برای خواسته‌های بی‌واسطه‌شان و بدون پیکار برای بهبود شرایط زندگی‌شان، نمی‌توانند برای دمکراسی سنگربندی کنند. هر جا که دمکراسی شکل گرفته و تا حدی که شکل گرفته، از طریق سازمان‌یابی زحمتکشان و لگدمال‌شدگان برای دفاع از حق حیات و منزلت انسانی‌شان شکل گرفته است. پس، با تعطیل کردن پیکارهای طبقاتی نمی‌توان به دمکراسی دست یافت. طرفداران «آسیا به‌نوبت» - یعنی کسانی که می‌خواهند فعلاً برای مبارزه با رژیم ضدبشری جمهوری اسلامی، همه اختلافات طبقاتی را کنار بگذاریم، یا منطق پیکار دمکراسی را نمی‌دانند، یا حضور توده مردم را در مبارزه ضداستبدادی فقط به صورت گله‌وار می‌خواهند.

تاریخ ۶۰ ساله اخیر این جنبش، تاریخ رویارویی پرشور با استبداد و حساسیت آشکار به بی‌عدالتی و رنج اکثریت محروم بوده است. اکنون دانشجویان ما تنها وارثان پاسداران این سنت طولانی نیستند، بلکه با اکثریت زحمتکش و لگدمال‌شده پیوندهای گسترده‌تر و مستقیم‌تری هم دارند. اگر روزی شمار کل دانشجویان ما از چند هزار نفر بیشتر نبود که غالباً هم از برآمده از طبقات بالایی و میانی بودند، اکنون جمعیت دانشجویی ما به دو میلیون نفر می‌رسد و غالب آن از طبقات میانی و پائین برآمده‌اند. بنابراین جنبش دانشجویی ما می‌تواند در پیکار با استبداد همان‌طور فعال باشد که در پیکار برای دمکراسی و شتاب‌دادن به سازمان‌یابی زحمتکشان و لگدمال‌شدگان. اما برای این کار، جنبش دانشجویی باید «توهم هندسی» را کنار بگذارد و به روشنی دریابد که در پیکارهای سیاسی اجتماعی، نزدیک‌ترین فاصله میان دو نقطه، معمولاً خط مستقیم نیست.

...دنباله مصاحبه با رفیق ییدی از ص ۱

ارتباط برقرار نکند، این جنبش در نتیجه ایجاد تفرقه و سرکوب و حتی آلت دست قرار گرفتن آن، فراتر از آنچه امروز هست نمیرود و نمیتواند به اهدافش برسد. این دومین تجربه ای است که به اعتقاد من نشان داد که جنبش دانشجویی در طی این دوران از مبارزات خود کسب کرده است. این درک و تجربه، اگر به درستی به جنبش نگاه کنیم، و اگر حرکات و مطالبات ۱۶ آذر را مد نظر قرار دهیم، در دو سطح خود را نشان داد. یکی اینکه از تشکلهای و شعارهای تشکلهای وابسته به رژیم، اصلاح طلبان، فاصله گرفت دوم اینکه کوشش کرد، جنبش خود را نظیر ۱۸ تیر، از داخل دانشگاهها فراتر برده به بیرون بکشد و این کار را که خوشبختانه نشان دهنده ارتقای کیفی سطح سازماندهی دانشجویی است طوری انجام دادند که برخلاف مبارزات ۱۸ تیر، رژیم نتوانست آن را ولو در حد محدودی سرکوب کند و نگذارد صدای جنبش دانشجویی منعکس شود. بویژه اینکه تقسیم بندی مبنی بر حرکتبندی اعتراضات، مثلا برپایی اعتراضات در دانشگاه امیر کبیر، روز بعد با همان شدت و با همان رادیکالیسم جالب بود. بنابراین ما میبینیم که جنبش دانشجویی چگونه از حرکات گذشته درس گرفته است. بطور مثال اگر جنبش دانشجویی در سالهای قبل در تجمعات خود با شعارهایی که عمدتا از اصلاح طلبان دفاع میکرد،

مثلا دختمی دوستت داریم، یا دختمی قاطعیت... طالب اصلاحات در درون رژیم بودند، در ۱۶ آذر امسال وضعیت کاملا متفاوت بود. بطوریکه خود ختمی هم از ترس اینکه هیچ جوابی ندارد به دانشجویان بدهد، و حرفی جز تکرار وعده هایی که صدها بار داده شده نخواهد داشت، حتی حاضر نشد در جمع دانشجویان حاضر شود. دانشجویان، با وجود اینکه از چند هفته قبل، طاهرا در اعتراض به حکم اعدام «آغاچاری» به اعتراض برخاسته بودند، در ۱۶ آذر از شعارهای قبلی خود کاملا فاصله میگیرند و به طرح شعارهای میپردازند که این شعارها، شعارهای عمومی است و خوستهای سیاسی مردم را در درون خودش دارد. شعارهای چون «خا منه ای، ختمی این آخرین پیام است» یا «دانشجو، کارگر آماده قیام است»، «مرگ بر طالبان، چه کابل چه ایران» اگر نیک بنگریم، شعارهای نظیر جدایی دین از دولت شعارهای آزادی و برابری زنان و خیلی از شعارهای دیگر را در درون خودش دارد. بنابراین میشود گفت در این دوره جنبش دانشجویی به مراتب رادیکالتر و آگاهتر و سازمان یافته تر از قبل با به میدان مبارزه گذشته است. منتهی واقعیت این است که دانشجویان ایران باید بدانند و حتما میدانند که این جنبش را باید تلاش کنند همه گیر کنند، خواستهای اقتصادی سیاسی میلیونها مردم را که سرکوب شده است مانند، آزادی زنان، کار برای جوانان، دفاع از مبارزات اقتصادی و سیاسی کارگران، دفاع از حقوق میلیتها، اینها را باید مطرح کنند و این جنبش را بتدریج همه گیر و گسترده بکنند. و این شعارها را همانجور که جنبش گسترده میشود، به میان مردم ببرند. این اتفاقا در تاکتیکی که این جنبش که در ۱۶ آذر اتخاذ کرد، نشان دهنده تطابق تاکتیکیها با چنین اهدافی بود. فرصت کنید تقسیم افراد به گروههای ۵۰۰ نفری، گسیل اینها به خیابانها با شعارهای مشخص، هم رژیم را از سرکوب جنبش دانشجویی و محدود کردن آن در داخل دانشگاه جلوگیری کرد و این تاکتیک رژیم را شکست داد و هم اینکه توانست جنبش دانشجویی و شعارهای آنرا به میان مردم ببرد و در خیابانها مطرح بکند. من شخصا با امیدواری بیشتری به این جنبش نگاه میکنم و مشخص است که جنبش دانشجویی برای اینکه موفق شود باید مطالبات و مبارزات خود را از سطح دانشگاه خارج کند و با جنبش کارگری که مدتهاست در حرکت است ارتباط برقرار کند. آن وضعی که نسبت به جنبش های قبلی در جنبش دانشجویی وجود داشته به واسطه عدم حضور نیروهای چپ را جبران کند. چرا که در گذشته جنبش دانشجویی بلافاصله با جنبش کارگری ارتباط میگرفت و به قدرت قوی تبدیل میشد ولی در سالهای اخیر ما شاهد این نقطه قوت نبودیم بلکه این به مثابه نقطه ضعف جنبش دانشجویی مطرح بود ولی به نظر میرسد این ضعف میروند جبران شود. خصوصا نشانه هایی از آن در برخی مصاحبه هایی که بعضی از این دانشجویان انجام داده اند، در ارتباط با مبارزه طبقه کارگر امیدوار کننده است.

همانطور که میدانید در سیاست تعدیل اقتصادی رژیم که بسیار معروف است و اخیرا به سیاست «بازسازی و نوسازی» صنایع ترجمه شده است، اخراج و باز خرید کارگران نقش محوری دارد. علاوه بر سیاست اخراج کارگران، که اینها به منظور با صرفه کردن خرید آنها از طرف بخش خصوصی انجام میدهند، اخیرا لویای جدیدی مطرح شده است که به کارفرماها امکان میدهد که آنها به طور آزادانه و قانونی هر سال ۱۰ درصد از نیروی کار خود شون را، که شامل کارگران استخدامی است، اخراج کنند. و علاوه بر این میدانیم که سرمایه داران ایران عمدتا نیروهای وابسته به مافیای قدرت و ثروت هستند و اینها بجای اینکه این کارخانه جات را بگیرند و بازسازی بکنند آنها را میخرند و پس از آن زمینهایش را تلاش میکنند بفروشند و پولش را در تجارت و در بازار سیاه بکار بگیرند که میلیاردها تومان استفاده دارد. بنابر این اینها پس از خرید هم به تعهدات خود شان عمل نمیکند و سعی میکنند با عدم پرداخت حقوق کارگران عملا آنها را وادار کنند که از کار خود دست بکشند و خودشان محل کار یعنی کارخانه را ترک کنند یا با پول خیلی کمی باز خرید شوند. بنابراین درخواستهای صنفی و دفاعی نظیر پرداخت حقوقهای معوقه و جلوگیری از اخراجهای دسته جمعی و نظیر اینها در واقع در این دوره و در دوره گذشته جزو مطالبات اصلی کارگران ایران بوده است و هنوز هم این خواستها مطالبات عمده را تشکیل میدهند. اما در اعتراضات اخیر، از جمله اعتراضات کارگران میاندوآب، نساجی مارزندران و امثال آنها میبینیم که جنبش کارگری از چهارچوب خواستهای صنفی فراتر رفته است و به طرح مسایل سیاسی و اقتصادی هم پرداخته است و این خودش کمک میکند که جنبش کارگری با جنبشهای موجود در جامعه ارتباط نزدیکی برقرار بکند. ولی از آنجایی که کلا طبقه کارگر هنوز قادر نشده است تشکلهای مستقل و سراسری خودش را ایجاد بکند، از طرفی سازمانهای چپ و کمونیست و سوسیالیست که طرفدار طبقه کارگر هستند به شدت فعالیتشان در سطح جامعه سرکوب میشود هنوز این مبارزه در میان کارگران نتوانسته است به صورت متشکل از سطح کارخانجات فراتر برود و به یک مبارزه سراسری تبدیل بشود.

واقعیت این است که کارگران با در نظر گرفتن واقعیت حاضر و اوضاع سیاسی که وجود دارد باید تلاش بکنند بویژه وظایف کارگران پیشرو این است که در جریان اجتماعات کارگری، مسایل اقتصادی و علل انبار کارگران را برای آنها توضیح دهند و به طور جمعی تلاش کنند که راه حل های بهتری برای متشکل شدن و تعیین شعارها، شعارهایی که خواست عمومی کارگران است و تلفیق این شعارها با مطالبات عمومی توده های مردم بتوانند سطح مبارزات عمومی کارگران را ارتقا دهند و در جهت ایجاد تشکلهای مستقل کارگری و در جهت گسترش دامنه مبارزات کارگران در رابطه با سطح سراسر کشور اقدامات ضروری را انجام دهند.

سوال در رابطه با دور اخیر مبارزات دانشجویی و همچنین چهارمین سالگرد قتلهای زنجیره ای و تظاهرات دانشجویی در روز ۱۶ آذر، و توضیح شما در مورد گسترش مبارزات کارگری، شما پیوند این مبارزات را چگونه میبینید و او فکر میکنید مبارزات کارگری چه تاثیری بر آن دارد؟

پاسخ: مبارزات گسترده دانشجویی در ۱۶ آذرماه، نشان داد که در وحله اول جنبش ۱۸ تیر ۷۸ مثابه نقطه عطفی در جنبش دانشجویی دو دهه اخیر است و به رغم سرکوب نتنها به فراموشی سپرده نشده است بلکه به مراتب پر انرژی تر از گذشته در میدان مبارزه حضور دارد. ویژگی جنبش دانشجویی در ماههای اخیر که در حرکات اعتراضی و در شعارهای مشخص ۱۶ آذر به درستی خود را نشان داده است، این بود که فرهنگیان و دانشجویان جامعه ما که همواره از پیشتازترین مبارزان راه آزادی بودند با درس آموزی از تجربیات خودشان به این نتیجه رسیدند که هرگونه اصلاح از درون رژیم توهمی بیش نیست و انجام اصلاحات اساسی در رژیم جمهوری اسلامی متکی به ولایت فقیه، امری است غیر ممکن. اینها بر این تکیه به اصلاح طلبان و تشکلهای وابسته به آنان کاری از پیش نخواهد برد. دوم اینکه که این جنبش اگر بخواهد از چهارچوب دانشگاهها خارج نشود و با طبقه کارگر و جوانان و توده های مردم

تظاهرات ایستاده در شیکاگو

در روز شنبه ۱۴ دسامبر ۳۰ تن از فعالین چپ ایرانی، نیروهای دمکرات و شماری از فعالین مارکسیست- هومانیزست آمریکایی در جلو دفتر روزنامه کثیر الانتشار «شیکاگو تریبون» در مرکز این شهر تظاهراتی در حمایت از دانشجویان ایرانی و در اعتراض به نقض حقوق بشر در ایران برپا کردند. در این حرکت اعتراضی یکی از فعالین اتحاد چپ کارگری در شیکاگو اطلاعیه ای به زبان انگلیسی با امضای اتحاد چپ کارگری، شیکاگو پخش کرد که عین اطلاعاتی در بخش انگلیسی تارنمای اتحاد چپ کارگری قابل ملاحظه است. رفقای فعال چپ در سایر شهرهای ایالات متحده برنامه های مشابهی برای سال نو مسیحی در نظر دارند. علاقمندان به همکاری با رفقای اتحاد چپ کارگری در ایالات متحده میتوانند با آدرس زیر تماس بگیرند: us.east@etehadchap.com

ماfiای چای همچنان از کیسه زحمتکشان چایکار شمال میخورد!

بحران صنعت چای، به مانند گذشته گریبان بی سیاستیها ی اقتصاد رژیم را گرفته و هر روز بر ابعاد آن افزوده میگردد. در این زمینه بنا بر گزارش سایت انترنیتی امروز در اذر ماه ۸۱ (سالانه ۲۰۰ میلیون تومان سود از طریق واردات جای خارجی به جیب بخش خصوصی یعنی همان ما fiای چای ریخته میشود. در این راستا یکی از اعضا اتحادیه بازرگا توزیع کنندگان جای کشور - که در برابر شبکه ماfiای اقزاده ها متضرر شده اند اعلام میکند. (حدود ۱۸۰ هزار تن جای تولید داخلی در انبا رهای سازمان جای شمال در نوبت قرار دارد ولی مشتری و خریدار وجود ندارد.) چرا که ماfiای چای همواره تولید داخلی را دور زده و با ورود جای خارجی و افزودن انواع اسانسهای معطر بد آن وعرضه آن در بسته بند یهای گوناگون به چند برابر قیمت به مصرف کننده، بازار داخلی چای را همواره با بحران روبرو ساخته اند.

در این رهگذر کشاورز چایکار بدلیل بدهکاری، گرانی، سختی معیشت و فقر روز افزون خود و خانواده اش، در برابر گذران زندگی و پرداخت بدیهیای دوران بیکاریش به بانک کشاورزی و به سلف خزان روستا ها مجبور میگرددند. در بهار هر سال برگ چای را تنها در برابر نرخ اعلام شده دولتی به کارخانه داران بفروشند. در این میان ماfiای چای که امروز حتی در درون مجلس اسلامی نیز نقب زده با بی عمل نگه داشتن نقش دولت در برابر بحران فزاینده اقتصادی اش، کارکرد انرا نیز در تمام عرصه ها خنثی میسازند.

نقش (سندیکای کارخانه داران جای) که ان نیز حافظ منافع بخش خصوصی است، قدرت مقابله در برابر این شبکه را نداشته و ندارد. لذا همواره بر د امنه بخران افزوده میشود. در مقابل چنین وضعیتی نقش تشکلهای پراکنده کشاورزان چایکار نظیر اتحادیه به کشاورزان علیرغم قد و مت زیاد ی که دارند، امروز بیش از ان که در بر هم زدن ماهیت مناسبات تولیدی و ابزار کار بتوانند تاثیر ضروری بگذارند در واقع بشکل فرمال در سطح ارتباطات محدود انهم تنها در حوزه کشاورزی جای دست به عمل میزنند.

این نوع تشکلهای در حال حاضر فاقد خواستگاه عمومی و فراگیر هستند و همواره تنها به وضعیت صنفی و اقتصادی حوزه های کاری خود میاندیشند. در حالی که بر طرف کردن بنیابهای فراگیر عمومی اقتصادی و سیاسی در راستای زدودن فقر آنان در برابر (سندیکای کارخانه داران جای شمال) که منافع استراتژیک صاحبان جای را نمایندگی میکنند، بجای رودویی با ان در شرایط بحرانی همواره به دامن دولت و نمایندگان انها یعنی استانداران و فرماندار یها پناه میبرند، در حالیکه بحران صنعت جای ناشی از کاربرد عمومی سیاستهای همین دولت رانت خوار و طرفدار سرمایه است.

امروز بر بستر بحران عمومی کشور در برابر مشکلات معیشتی روز افزون آن، کشاورز چایکار هم تنها و تنها نه بودن و نبودن خود می اندیشد. او به تقویت پایه های مشکلات خویش، علیرغم ضرورت ان در راستای اثر گذاری بر امر کار، تولید و رودویی با بهره کشی، رانت خواری و برای در هم شکستن شبکه ما fiای چای، بدلیل مشکلات کمتر به امر در هم آمیزی با دیگران و هماهنگی کار فکر می کنند. در حالیکه کشاورزان در برابر مصائب و مشکلات موجود، می بایست بیش از پیش به امر گره خوردن خویش با دیگر اقشار اجتماعی چون کارگران کارخانجات جای و همراهی با کارگران برنج کار و سایر مزد و حقوق بگیران و تهیدستان روستایی و شهری بیاندیشند و نیروی اجتماعی خود را در این راستا سازمان دهند. زیرا که همین پراکندگی و تشتت، زمینه گسترش فقر و تا حد زیادی، سرکوب آنان را فراهم مینماید. راهکار عمومی برای برون رفت از بن بست مناسبات موجود، که هر سال با بشت سر گذاشتن زمستان و آغاز بهار رخ مینماید اینستکه - کشاورزان و کارگران چای بیش از پیش به در هم آمیزی تقویت مبارزات خود بیاندیشند.

در این راستا برای مقابله با نمایندگان (اتحادیه بازرگانان و توزیع کنندگان چای کشور) که بعد از قیام بهمن ۵۷ به اینسو از یکطرف خود را در هیکل وجودی امام جمعه های گیلان بویژه شخص (قربانی لاهیجانی) بنمایش گذاشته است و از سوی دیگر در تقابل با سیاستهای دولت و عوامل مداخله گر آنان در سندیکای کارخانه داران ماوا گزیده اند، باید بیش از هر چیز صف متحد کشاورزان زحمتکش شمال در حوزه های تلاشگر برنج کاری - ابریشم کشی (نوغانکاری) باعداری مرکبات و صیفی کاری، اشتراک مساعی و همکاری های هدفمند خویش را، در جهت ساماندهی تشکلات مستقل خود فراهم آورند.

امروز کشاورزان میبایست با ایجاد تعاونیهای تولید، فروش، مصرف و با پایه گذاری تشکلهای موثر در هر منطقه و زنجیره ای کردن ارتباطات شان رآی فراهم آوردن اتحادیه کشاورزان سراسر شمال ایران در جهت سازماندهی روش برگ چای، برنج، ابریشم و مرکبات به قیمت معقول در برابر گرانی اجناس اقدام نمایند.

اگر موقع چنین اقدامی صورت نگیرد با باز بودن دست اقزاده ها و ما fiای قدرت و سیستم دلالی و واسطه گری و تشکلهای دست ساز از بالا در صحنه کارگری و مطالبات کشاورزی، چیزی جز تشدید فقر و فلاکت، بیکاری فزاینده، رواج اعتیاد و فحشا، تنگدستی و مبتلا شدن گسترده جوانان به امراض گوناگون، مرگهای زودرس، خودکشی، از هم پاشیدگی خانواده ها، افزایش کودکان خیابانی و تشدید استثمار و بهره کشی و کوچ وترک اجباری محل برای عموم روستاییان و بویژه طبقات تحتانی ان، هیچ چیز دیگری بدست مردم نخواهند رساند.

در این میان گسترده ترین زمینه سازماندهی تقابل در برابر بی نقشه گری دولت و در هم شکستن شبکه های ماfiایی اقزاده ها، واسطه های گردن کلفت آنان در منطقه سراسر شمال که طی سالیان در سطح روستا ها بر بستر مناسبات کهن خود را باز تولید می کنند، تا بشکل اختیایوسی، زندگی مردم زحمتکش را با بحران همه جانبه روبرو گردانند، چیز دیگری شاهد نخواهیم بود.

میتوان گفت در عمق بحران حکومتی، حیات اقتصادی نزدیک به ۶۰ هزار خانوار چایکار که در خطه شمال ایران باعداری می کنند و اغلب نیز با اتحاد تک محصولی در برابر هزینه های گران، چرخ زندگی خود را میگردانند و صد ها و صد ها تن کارگر صنعتی و حدود ۱۶۰ کارخانه چایسازی امروزه در برابر نقش فزاینده ماfiای چای که ورود چای نامرغوب خارجی را در دستور کار خود دارند، میروند که تعطیل و ورشکسته اعلام گردد، بدین ترتیب با تعطیل این کارخانه ها بیش از پیش بر بار مشکلات و مصائب کارگران، کشاورزان باغدار و خویشاوندان آنان افزوده میشود و ما شاهد بیکاری روز افزون، اقتصادی ورشکسته تر در عرصه صنعت چای، برنج، ابریشم و مرکبات در ایران خواهیم شد.

چاره کار در ایجاد تشکلهای پایه از جانب توده دهقانان و زحمتکشان روستایی بدون چشم داشتن به بالاهیا و با گره خوردن هر چه وسیع تر شما با جنبش مطالباتی مزد و حقوق بگیران شهری و، دانش اموزان، دانشجویان، روشنفکران مترقی و توده زنان و اقلیت های ملی و زبانی بر بستر پایه گذاری تشکلهای مستقل خویش بر گرد یکدیگر و سازماندهی سراسری مبارزات مضمون می یابد. برای باروری این سطح از مبارزات مداخله گرانه، میباید از هر امکانی بهره گرفت بویژه رویکرد به نشریات منطقه ای که در بازتاب مسایل عمومی تان یاری بخش الام و مشکلات شما باشند. ما باز هم در این باره صحبت خواهیم داشت.

امیر جواهری . ۱۳۸۱

قطعنامه اجتماع کنندگان در شب همبستگی با جنبش

دانشجویی و زندانیان سیاسی عقیدتی!

از: جنبش آزادی د کتر ناصر زرافشان و زندانیان سیاسی ایران - (گوتنبرگ)
به: دفتر بین‌المللی اتحادیه اروپا

رونوشت به: مجامع حقوق بشری و رسانه‌های خبری اینترنتی.
مطلع شدیم که طی روزهای ۲۶ و ۲۵ اذر (دسامبر ۲۰۰۲) هیئتی از نمایندگان حقوقی اتحادیه اروپا راهی ایران میگردد تا به مشاورت و رایزنی با سران رژیم اسلامی ایران برآیند.

نظر به اینکه سران رژیم اسلامی جنبش صنفی و مطالباتی دانشجویان ایران را طی هفته‌های گذشته همچون ۱۸ تیر ۷۸ با خشونت و مداخله عوامل لباس شخصی‌ها و نیروهای امنیتی خود پاسخ گفتند و جمع وسیعی از آنان را دستگیر و زندانی نمودند. همینطور در ۱۶ اذر (روز دانشجو) سالروز کشتار سال ۱۳۳۲ در زمان رژیم سلطنتی نیز دگرباره در تهران - اصفهان - شیراز - کردستان و دیگر نقاط دستگیریهارا به اوج رساندند.

نظر به اینکه در چهارمین سالگرد قتل‌های زنجیره‌ای سیاسی و گردهمایی گرامیداشت یاد قربانیان این قتل‌ها سران رژیم با گسیل نیروهای ضد شورش و لباس شخصیها، اوج خشونت خود را اعمال نمود. دادخواست خانواده‌های قربانیان قتل‌ها را تا به امروز بدون پاسخ گذاشت.

نظر به اینکه جنبش اعتراضی معلمان را در روز جمعه ۱۳ اذر ۸۱ با خشونت نیروهای انتظامی و امنیتی از اجتماع آنان جلوگیری نمودند و تعدادی از آنان زخمی و این تجمع نیز سرکوب گردید.

نظر به اینکه با دخالت وزارت اطلاعات دولت خا تمی از بر گزارى مجمع عمومی سالانه کلون نویسندگان ایران در آخرین لحظات برپایی نشست ممانعت بعمل آورد.

نظر به اینکه اعتراضات کارگران، زنان، جوانان، روشنفکران مترقی، و نیروهای ملی - مذهبی همواره با دستگیری، زندان، شکنجه همراه است. مطبوعات منتقد بشکل گسترده تعطیل، روزنامه نگاران دستگیر و در زندان اند.

ما اجتماع کنندگان در شب همبستگی با جنبش دانشجویی و زندانیان سیاسی ایران در شهر گوتنبرگ (سوئد) شنبه ۱۴ دسامبر ۲۰۰۲ خواستار این میباشیم:

۱- در شرایطی که نمایندگان حقوقی اتحادیه اروپا در حال سفر به ایران و ملاقات با مقامات جمهوری اسلامی میباشند، علیرغم اینکه ما تمامیت نظام را بر نمی‌تایم و هیچ توهمی در مالیت آن نداریم. خواستهای مشروع جنبش آزادیخواهی مردم ایران را طرح مینماییم و آن اینکه:

الف- کلیه دستگیر شدگان تجمعات دانشجویی دانشگاهها، اجتماع کنندگان ۱ اذر چهارمین سالگرد گرامیداشت قربانیان قتل‌های زنجیره‌ای سیاسی ۱۶ اذر ۸۱ (روز دانشجو)، اعتراضات معلمان جوانان و تمامی زندانیان سیاسی و عقیدتی سراسر ایران فوراً و بی قید و شرط آزاد گردند.

ب- ملاقات با نمایندگان کلون نویسندگان ایران - اعضاء خانواده‌های قربانیان قتل‌های زنجیره‌ای سیاسی، خانواده ناصر زرافشان سعیدی سیرجانی هاشم آقاچری، امیر انتظام، نیروهای ملی و مذهبی محمدی‌ها، باطنی‌ها، طبرزدی‌ها و... در دستور کار هیئت نمایندگی قرار گیرد.

ج- ملاقات با زندانیان سیاسی، و کلای زندانیان، روزنامه نگاران زندانی و نیروهای دگر اندیش که در زندانهای رژیم بسر میبرند در دستور کار هیئت نمایندگی قرار گیرد.

۲- ما خود را در کنار جنبش آزادیخواهانه مردم ایران شناخته و تنظیم گزارش از جانب نمایندگان حقوقی اتحادیه اروپا به افکار عمومی جهانیان و ایرانیان را جزء خواستهای خود اعلام میداریم.

امضاها: ۱- جنبش آزادی دکتر ناصر زرافشان و زندانیان سیاسی - گوتنبرگ (سوئد) ۲- اتحادیه سراسری ایرانیان - واحد غرب سوئد ۳- هدلیت متین د فتری از- جبهه دمکراتیک ملی ایران ۴- جبهه ملی ایران خارج از کشور - گوتنبرگ ۵- فرهنگسرای اندیشه - گوتنبرگ ۶- کانون پژوهش فرهنگ ایران - گوتنبرگ ۷- کمیته همبستگی با مبارزات مردم ایران - گوتنبرگ ۸- اسپیل کمیته گروه ایران - گوتنبرگ ۹- انجمن دوستی ایران و سوئد - پارتیله ۱۰- انجمن ایرانیان بورگودا (سوئد) ۱۱- رادیو پیک ایران - گوتنبرگ

...دنباله گزارش جلسه همبستگی از ص ۱

سپس «جیم بوملا»، نماینده فدراسیون بین‌المللی خبرنگاران، IFJ، سخنانی ایراد کرد و گفت، تا برگزاری این جلسه در ۱۶.۱۵ سال گذشته کارزار جدی علیه اختناق در ایران و در دفاع از مبارزات مردم ایران در میان فعالین اتحادیه‌های کارگری بریتانیا شکل نگرفته است و واجب است

در ادامه این جلسه، برپایی چنین کارزاری را در دستور کار خود قرار دهیم. او اضافه کرد واجب است کاری امروز صورت گرفت باید در سطح گسترده تری ادامه دهیم. خانم «لیز لستر» از اتحادیه کارگران و کارمندان دولتی، قطعنامه مصوبه شعبه فعالیت خود در این اتحادیه را در جلسه خواند و دو تن از جوانان فعال کمیته اجرایی اتحادیه سراسری دانشجویان بریتانیا «ساشا» و «کیت» پیام همبستگی دانشجویان بریتانیا را ارایه کردند. نماینده سازمان «اتحاد برای آزادی طبقه کارگر» Alliance for Workers Liberty اعلام کرد سازمانش مصر است همکاری خود با مدافعان طبقه کارگر در ایران را تقویت کند. خانم «مونیکا» که از وکلای رادیکال و عضو «انجمن هالدین» وکلای سوسیالیست بریتانیا است، در رابطه با کوششهای این انجمن در امر کمیسیون حقوقی بین‌المللی بررسی قتل‌های زنجیره‌ای توضیحاتی داد.

در بخش دوم این جلسه بحث مهمی پیرامون سازماندهی همبستگی فعالین اتحادیه‌های کارگری در دفاع از مبارزات مردم ایران صورت گرفت. کمیته عملی انتخاب شد و قرار شد علاوه بر همکاری با اتحادیه سراسری دانشجویان در بریتانیا برای برپایی اعتراضاتی در دفاع از دانشجویان ایران، با اتحادیه کارگری «تی-جی» دبلیو» در تقویت قطعنامه این اتحادیه دفاع کارگران ایران، قدمهای عملی برداشته شود و به کمیته انتخابی پیشنهادهایی برای سازماندهی برنامه‌های بعدی ارائه شد.

شماره حساب پستی اتحاد چپ کارگری ایران در سوئد: pg: 4289144-0

شماره فکس و آدرس پستی اتحاد چپ کارگری ایران:

Address: Box 22 33 40 314 Gtg Sweden

Fax: 0046 31139897 0044 8701257959

آدرس ما در اینترنت:

http://www.etehadchap.com

e-mail: web@etehadchap.com

آدرس پست الکترونیکی اتحاد چپ کارگری در آمریکا:

us.east@etehadchap.com

آدرس پست الکترونیکی کمیته زنان اتحاد چپ کارگری:

zanan@etehadchap.com

مسئول اجرایی بوئتن: داریوش ارجمندی، سوئد

dariush@etehadchap.com

زنده باد سوسیالیسم!

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی